

روابط ایلخانان مغول با دربار واتیکان ۱ بقلم علاء الدین آذری (دکتر در تاریخ) علاء الدین آذری

بررسی های تاریخی « خرداد و تیر ۱۳۴۹ - شماره ۲۶

الف- از هلاکو تا ارغون

در این دوره روابط سلاطین مغول ایران یا ایلخانان با اروپائیان توسعه مییابند و زمینه برای عقد قراردادهای نظامی فراهم میگردد، علت اساسی گسترش این مراودات جنگهای مداوم ایلخانان با پادشاهان و امرا مصر و شام است که برای مغول شکست و ناکامی بار می آورد و مانع از توسعه و بسط اقتدار و قلمرو ایشان میگردد از اینرو کوشش میکنند که پاپها و پادشاهان اروپائی را در این جنگها با خود همداستان سازند و بیاری آنان حکومت های اسلامی مصر و شام را براندازند.

منگوقا آن در سال دوم سلطنت خود برادر کوچکتر خویش هلاکورا مأمور دفع اسماعیلیه و برانداختن خلفای عباسی کرد و باو نصیحت کرد که حامی مسیحیان باشد، و بدون مشورت دو قوز خاتون زوجه مسیحی خود اقدامی ننماید.

هلاکو که مادر و همسرش مسیحی بودند با لشگریانیکه اکثرشان از ایلات مسیحی مغول یعنی اقوام اویغور و نایمان و کرائیت بودند در اواخر سال ۶۵۱ هجری قمری رهسپار ایران شد، هلاکو شخصا بودائی مذهب بود و چون در ایران کسی نبود که پیرو این دین باشد لذا بر اثر نفوذ زوجه مسیحی خود نهایت کمک و همراهی را در حق مسیحیان ایران و ارمنستان میدول میداشت و همه جا فرمان میداد که برای اینان کلیسا بسازند.

نوشته اند که اردوی دو قوز خاتون هر جا که بود بر در آن ناقوس میزدند ۳ محبت های هلاکو و همسرش بعیسویان ایران بحدی بود که این جماعت خان مغول را ناجی خود دانسته و درصدد برآمدند که از قدرت وی جهت کمک به مسیحیانیکه در شام و مصر با مسلمین در حال جنگند استفاده کنند و آیین اسلام را یکباره از آسیا و آفریقا براندازند.

شاید حمله هلاکو بشام و مصر بیشتر در نتیجه تحریکات مسیحیان ایران باشد.

هلاکو خان سردار مسیحی و دلاور خود کیتوبوقا را مأمور فتح شام و مصر نمود. این سردار پس از تصرف دمشق در سال ۶۵۸ هجری کلیه مساجد را بکلیسا مبدل ساخت. اگر چسارت و کفایت امیر قدوز و فتح او در عین جالوت ۴ نبود مغول آخرین پناهگاه اسلام یعنی فلسطین و آفریقای شمالی را مسخر مینمود و با پافشاری که در همان ایام صلیبیون عیسوی در قلع و قمع ریشه مسلمین

داشتند دیگر مشکل بود که اسلام جانی بگیرد و در میان دو دشمن متعصب و کینه ورز قد علم کند.

سیل هجوم مغول در مسیر خود بسد مقاومت مسلمین شام و مصر یعنی همان قدرت و مقاومتی که جنگجویان صلیبی را تارومار کرده و آرزوی دیرین و عمومی مسیحیان را درباره دست یافتن ارض مقدس (بیت المقدس) و بلاد و سرزمینهای اطراف آن نقش بر آب کرده بود برخورد و همین موضوع درباره خان بزرگ و سپس درباره ایلخانان ایران را با دستگاه پاپ و درباره های مسیحی اروپا نزدیک ساخت و موجب شد که در تمام دوره ایلخانان باب مکاتبه و راه دوستی و اتحاد بین ایلخانان ایران و پاپها و پادشاهان مسیحی مفتوح باشد.

مغول در عالم سیاست وسعت نظر داشت و فکرش محدود و کوتاه نبود گرچه چیزی از تمدن غرب نمی فهمید ولی فهمیده بود که مناسبات و روابط با ممالک اروپائی فایده دارد. ۷.

بعد از شکست هلاکو در عین جالوت چنان عداوت و خصومتی مابین دولت ایلخانی ایران و مصریان ایجاد شد که جز اشتعال مجدد آتش جنگ و خونریزی دوباره راه دیگری وجود نداشت. در این دوره هیچ تهمتی برای مردمان خطرناکتر و هولناکتر از این نبود که آنها را بداشتن روابط سری با سلاطین مصر متهم نمایند حتی رعایای مسلمین ممالک مغول خیلی بحزم و احتیاط میبایستی رفتار نمایند تا مورد سوءظن واقع نشوند.

ضعف و ناتوانی هلاکوخان در مقابله با مصریان ویرا بر آن داشت که با اروپائیان روابطی برقرار ساخته و با کمک آنان بنقشه های جاه طلبانه خود در آسیای غربی جامه عمل بپوشاند.

پاپ نیز که از شکست بزرگ هلاکو در جنگ با مصریان مستحضر شده بود درصد برآمد که بغوریت خان مغول را بسوی خویش جلب نموده و با همکاری او انتقام شکست مسیحیان را از مسلمانان بگیرد.

در کلیکسیون ادریک راینولد ۸ نامه‌ای از دربار واتیکان به هلاکو موجود است که بدون نام و نشان و تاریخ میباشند اما مؤلف آنرا به پاپ الکساندر چهارم ۹ نسبت میدهد.

نامه منسوب به پاپ در سال ۱۲۶۰ میلادی بوسیله ژان کشیش مجارستانی ۱۰ بایران رسیده در این نامه پاپ خشنودی و رضامندی خاطر خویش را از ایجاد روابط صمیمانه با هلاکو ابراز داشته است.

ایلخان ایران ضمناً با امپراطور روم شرقی (بیزانس) نیز روابط دوستانه‌ای برقرار ساخته بود.

هلاکو که درصد جبران شکست عین جالوت بود و برای همین امر تدارک کافی دیده بود و در سال ۱۹۶۴۳ (ربیع الاول) در کنار رود جفتوی آذربایجان در حالیکه بیش از چهل و هشت سال نداشت جان سپرد و پس از وی فرزند ارشدش آباقا یا ابقا پادشاهی رسید. آباقا خان ۶۸۰-۶۶۳ هجری قمری (۱۲۸۲-۱۲۶۵ میلادی) نیز مانند پدرش مذهب بودائی داشت ولی ازدواج وی با دسپینا مریم دختر میشل پالتولوگوس ۱۱ (۱۲۸۲-۱۲۵۹) امپراطور بیزانس سبب شد که روابط صمیمانه‌ای با مسیحیان داشته باشد.

این دختر قبلاً برای هلاکو نامزد شده بود ولی وقتی عروس را بشهر مراغه پایتخت اولیه ایلخانان آوردند هلاکو درگذشته بود.

آباقا این دختر را بعقد خود درآورد و بدین ترتیب داماد امپراطور بیزانس شد. وصلت آباقا با دختر امپراطور روم شرقی و سابقه تربیتی که زیر دست مادرش دوقوز خاتون یافته بود روز بروز علاقه و محبت ویرا نسبت بمسیحیان بیشتر کرد و روحانیون مسیحی در دربار او مورد توجه و احترام زیاد قرار گرفتند با اینحال آباقا هرگز از دین آبا و اجدادی خود دست نکشید ۱۲ و کماکان بودائی مذهب باقی ماند.

پس از شکست عین جالوت بین ایلخانان ایران و سلاطین شام و مصر خصومت و دشمنی شدیدی بروز کرد که برای مسیحیان بسیار مسرت‌بخش و امیدوار کننده بود اینان از موقعیت استفاده کرده و دست بتحرکات دامنه‌داری برای ایجاد جنگهای مجدد بین پادشاه مغول و امراء و سلاطین شام و مصر زدند، آباقا آن عیسویان را وسیله پیش بردن سیاست خود در قبال مسلمین شام و مصر قرار داد و بتوسط آنها چندین بار با پاپ و سلاطین عیسوی مغرب درصد ریختن طرح اتحاد برعلیه پادشاهان اسلام برآمد.

در سال ۶۶۴ هجری قمری (۱۲۶۷ میلادی) پاپ کلمان چهارم ۱۳ (۱۲۶۸-۱۲۶۵ میلادی) در جواب نامه‌ای که بخط اویغوری از جانب آباقا باو رسیده بود شرحی نوشت ۱۴ و تقاضا کرد که آباقا بزبان لاتینی با او مکاتبه کند تا فهم مضمون نامه او برای وی ممکن گردد ۱۵.

پاپ در این نامه از عملیات و اقداماتی که بر ضد مخالفین خود انجام داده بود مطالبی برای ایلخان نوشت و پادشاه ایران وعده داد که با کمک سلاطین عیسوی اروپا در جنگ برعلیه مسلمین از او جانبداری نماید.

دو سال بعد از این تاریخ نمایندگانی از طرف میخائیل پالتولوگوس و آباقا در شهر بلنسیه ۱۶ با پادشاه آراگون ۱۷ ملاقات کرده و از او خواستند که مطابق وعده پاپ با سایر سلاطین عیسوی همدست شود و برای دفع مسلمین لشکریان خود را حاضر نمایند.

پادشاه آراگون با آنکه سالخورده بود تصمیم بجهاد گرفت ولی بعدها بصوابدید برخی از امرای اسپانیا از این تصمیم منصرف شد و از خیانت مردم شرقی و بیرحمی مغول که اذهان اروپائیان را پر کرده بود، اندیشه کرد ۱۸.

آباقا در سال ۶۷۳ هجری قمری مطابق ۱۲۷۴ میلادی به تشویق پادشاه ارمنستان که مایل بآزادی و استخلاص بیت المقدس از چنگ مسلمین بود هیأتی شانزده نفری بفرنگستان اعزام داشت ریاست این عده را داوید نام کشیش برعهده داشت فرستادگان ابقا موقعی بحضور پاپ شرفیاب شدند که در شهر لیون مجمع مذهبی مهمی در شرف انعقاد بود.

بامر پاپ گرگواردهم ۱۹ (گریگوری ۱۲۷۶-۱۲۷۱ میلادی) نمایندگان ایلخان ایران در جلسات شورا حضور یافتند و دو نفر ایشان که ناتار بودند بامر پاپ تعمیم یافتند، این تنها نتیجه‌ای بود که از این مأموریت حاصل شد چه با پیشرفت سریع و روزافزون مسلمانان و سست شدن عزم و اراده صلیبون در آخرین دوره جنگهای صلیبی، دیگر کسی بتقاضای آباقا خان در لشکرکشی بشام و مصر توجهی ننمود. نامه‌ای که او نوشته بود نزد ادوارد اول پادشاه انگلستان (۱۲۷۲-۱۳۰۷ میلادی) فرستاده شد ولی ادوارد هم به عذر اینکه در آن حال نمی‌تواند لشکری برای

استخلاص بیت المقدس بفرستد از خود حرکتی ظاهر نساخت و فقط بارسال نامه‌ای برای آباقا اکتفا نمود مفاد این نامه بطور اختصار بقرار زیر است:

داوید کشیش بدربار ما رسید و نامه‌هایی که برای پاپ و پادشاهان مسیحی داشت تقدیم نمود، این نامه‌ها نشانه‌ای تمایل شما بدین مسیح و تصمیم شما بکمک به مسیحیان و مکان مقدس در مقابل دشمنان مسیحیت می‌باشد.

ما از آن مقام ارجمند خواهشمندیم که نقشه‌ی مقدس را اجرا نماید. ۲۰ در حال حاضر ما نمیتوانیم راجع بتاریخ و رودمان بمکان مقدس و عزیمت مسیحیان بشما اطلاعات جامعی بدهیم زیرا هنوز در این باب تصمیمی گرفته نشده. ۲۱.

۶ ژانویه ۱۲۷۸ میلادی ۲۲

از این نامه بقول مؤلف تاریخ سیاست خارجی ایران ۲۳ سه مطلب مستفاد میشود

۱- درخواست مغولها برای اتحاد با اروپائیان و جلب مساعدت آنها

۲- جواب یأس‌آور آنها که بکمک عوامل دیگر مغولها را وادار کرد که قبول اسلام کنند.

۳- تغییرات عمده‌ای که در مدت کوتاهی در طرز حکومت مغولها ایجاد شد. اوضاع سیاسی اروپا در اینزمان بکلی نسبت بگذشته تغییر یافته بود و دیگر آن اروپای ۱۲۵۰ نبود که برای سرکوبی مسلمین و تصرف مجدد سرزمین مقدس دنبال متحدین و یاران زورمند در تفحص باشد. سلاطین اروپائی از دنبال کردن جنگهای صلیبی بکلی منصرف شده بودند و دیگر مایل نبودند هیچگونه تعهدی را در قبال پاپ اعظم یا دیگران برعهده گیرند قدرت مسلمین شام و مصر و ضعف و ناتوانی اروپائیان و بی‌فایده بودن جنگهای مقدس را بر همه اروپائیان مسجل ساخته بود اما اباقاخان دست‌بردار نبود او بتحریر مسیحیان مقیم دربار خود و حس کینه و انتقامی که از شکست پدرش در عین جالوت در نهادش رسوخ یافته بود میخواست بهرطریقی که امکان‌پذیر باشد سراسر آسیای باختری و حتی افریقای شمالی را تصرف کرده اساس و پایه اسلام را در این صفحات متزلزل سازد.

بهمین منظور در سال ۶۷۵ هجری قمری (۱۲۷۶ میلادی) بار دیگر سفرائی بدربار واتیکان گسیل داشت پاپ ژان بیست و یکم (۱۲۷۷-۱۲۷۶) از نمایندگان ایلخان که دو نفر بودند بخوبی پذیرائی کرد. مأموریت اینها هم مانند دیگران تشویق و تحریص مسیحیان بجهاد با مسلمانان برای گرفتن بیت المقدس بود و از طرف آباقا همه‌گونه وعده کمک و مساعدت داده شده بود.

پاپ مانند گذشته ایشان را به نزد سلاطین فرانسه و انگلستان فرستاد سفرای مذکور که اصلا از عیسویان گرجستان بودند از طرف اباقاخان اظهار داشتند که اووقو بیلای قآن ۲۵ مایلند که قبول دیانت عیسوی کنند.

پاپ برای تحقیق مطلب و تبلیغ آئین مسیح تصمیم گرفت که پنج نفر از کشیشان را بدربار مشرق بفرستد ولی چون در همان اوان یعنی در سال ۱۲۷۷ میلادی وفات یافت تصمیم فوق در زمان وی عملی نشد.

نیکولای سوم (۱۲۸۰-۱۲۷۷ میلادی) پاپ جدید سال بعد نامه‌ای برای آباقا و قویلا نوشته و از مساعدت آنها در حق عیسویان سپاسگزاری نمود ضمنا هیاتی پنج نفری از راهبان فرانسیسکن را بدربار تبریز و خانبالیغ ۱۲۷ اعزام داشت.

در سال ۶۷۶ هجری اباقاخان در محل ابولستین ۲۸ از قوای سلطان مصر، الظاهر شکست سختی خورد و قریب هفت هزار نفر از سپاهیان مغول بهلاکت رسیدند.

چون آباقا بمیدان جنگ آمد و آنهمه اجساد کشتگان مغول را مشاهده نمود بی‌اختیار گریست.

میرخواند راجع باین جنگ و شکست مغولان مینویسد: ۲۹

«کفار تاتار را به تیغ جهاد بگذرانیدند و مدتها وحوش و نسور ۳۰ را از لحوم کشتگان در آن صحرا جشن و سور حاصل بود و پادشاه مصر فتحنامه‌ها به اطراف و اکناف دیار اسلام فرستاد و از آن فتح مبین، اولیاء دین سجدات شکر بجای آوردند.»

اباقا نسبت بجائلیق نصاری بغداد که یوحنادنها ۳۱ نام داشت کمال احترام را مرعی میداشت دنها بهمین سبب در آنزمان نفوذ فوق العاده ای کسب کرده بود.

در سال ۶۷۸ هجری قمری دو نفر از مسیحیان نسطوری ۳۲ چین بایران آمدند تا از این طریق به بیت المقدس برای زیارت بروند، یوحنادنها یکی از ایشانرا بخلیفگی چین انتخاب کرد و باو نام یهبلاهای سوم یا جبلها ۳۳ داد و چون یوحنادنها در همین زمان وفات یافت بدستور اباقا یهبلاهای سوم بسمت رئیس مذهب نسطوری ایران تعیین گردید.

رئیس جدید مسیحیان ایران رفیق چینی خود را که بارصوما ۳۴ نام داشت بخلیفگی سرزمین اویغور نامزد کرد ولی بدستور اباقا بارصوما بعنوان سفیر ایران مأمور کشورهای اروپائی شد. اباقا خان نامه ای به پاپ انوریوس چهارم (۱۲۸۷-۱۲۸۵ میلادی) نوشت و برای جنگ با اعراب مسلمان تقاضای اتخاذ و همکاری از او و پادشاهان اروپا نمود ولی این بار هم مساعی وی در این راه مثمرترم واقع نگردید.

یهبلاهای سوم پیشوای روحانیون مسیحی ایران خود شخصا با دربار پاپ مکاتبه داشته و خواستار اتحاد و اتفاق نصاری شرق و غرب بوده است از این روحانی بزرگ دو نامه بزبانهای عربی و آرامی در موزه واتیکان موجود است، تاریخ نامه ها سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۴ میلادی است.

چهار سطر نامه اول و نامه دوم بزبان آرامی است ۳۶ که ترجمه آن بقرار زیر است:

«بنام پدر و پسر و روح القدس، یهبلاهای گوشه نشین (معتزل) که با فیض و عنایت مسیح جائلیق-پطریارک-بطریق مشرق است دعاها ترا التماس میکند و در راه خداوند ما موفقیت ترا خواهانست.»

معنای چهار سطر اول نامه دوم جائلیق بزرگ ایران یهبلاهای سوم نیز مانند نامه اول است با این تفاوت که در حاشیه آن نام پاپ بندیکتوس (بنوای یازدهم ۱۳۰۴-۱۳۰۲) ذکر شده و معلوم میشود که این نامه بعنوان وی ارسال شده است.

متن عربی هردو نامه در خصوص مسائل مربوط بآئین مسیح و تبلیغات مذهبی است از اب و ابن و روح القدس سخن بمیان میاید ولی هیچگونه اشاره ای بروابط فیما بین دو کشور نمی نماید بنابراین از ترجمه آنها خودداری میشود. (عکس هردو نامه در آخر مقاله بنظر خوانندگان محترم میرسد)

توجهی که اباقا بمسیحیان داشت و در بهبود وضع زندگی و معیشت آنها میکوشید و نیز عداوت و دشمنی با مسلمانان مصر و شام، مردم مسلمان ایران و عراق را بشدت از او متنفر و منزجر ساخت. با اینکه بعلت ترس از مغول عکس العملی در مقابل اعمال اباقا ابراز نشد ولی باید گفت که شاید یکی از عوامل عدم موفقیت ایلخان مغول در دفع دشمنان خود و سرکوبی ایشان همین عدم اعتماد و انزجار عمومی نسبت باو باشد.

اباقا خان در سال ۶۸۱ هجری قمری درگذشت و برادرش تگودار که هفتمین پسر هلاکو خان بود بسلطنت رسید این پادشاه در سنین جوانی برسم آئین مسیح تعمیم یافته بود و نیکولا نام داشت ولی پس از حشر و آمیزش با مسلمانان باین دین علاقمند شد و اسلام آورد و احمد نام گرفت. بزرگان مغول که بیشتر بودائی یا مسیحی بودند از اینکار او که لطمه بموقعیتشان میزد بی نهایت متنفر شدند. مخصوصا اصرار سلطان احمد تگودار در مسلمان کردن مغولان و تبدیل بت خانه ها و کلیساها بمساجد بر شدت تنفر و انزجار

مغول افزود و بقول مؤلف حبیب السیر ۲۸ «وظایف اطباء و منجمان نصاری و یهود را منقطع و در تجهیز قوافل حاج و ترتیب مایحتاج سلسله بیت اله بتأکید تمام احکام تافذ گشت»

امرا و بزرگان مغول چون این بدیدند خواستار روی کار آمدن ارغون خان فرزند اباقا خان بمقام خانیت شدند تگودار چون مسلمان شده بود برخلاف سایر ایلخانان روابط صمیمانه ای با پادشاه مصر برقرار کرد و اختلافات گذشته را تاحدی برطرف ساخت. کارهای تگودار همانطوریکه اشاره شد برای مغول خوشایند نبود و آنها را وادار بنوشتن نامه های متعدد بدربار قویلای قان امپراطور چین و بزرگ خاندان مغول و شکایت از اعمال ایلخان ایران نمود.

حکومت سلطان احمد تگودار اولین پادشاه مسلمان ایلخانی در نتیجه دو دستگی بزرگان دربار و دسیسه کاری شاهزادگان مغول دیری نپائید و با کشته شدن وی در ۱۸ ربیع الآخر سال ۶۸۳ هـ ق ارغون خان زامدار ایران شد

ب- از ارغون تا پایان سلطنت ابو سعید بهادر

در زمان سلطنت ارغون خان (۶۹۰-۶۸۳) هجری قمری (۱۲۹۱-۱۲۸۴ میلادی) روابط ایران و واتیکان توسعه بسزائی یافت و هیأت‌های متعددی بین طرفین مبادله شد و در باب اتحاد و اتفاق با عالم مسیحیت برعلیه مسلمانان اقدامات مهمی صورت گرفت.

ارغون با اینکه بودائی مذهب بود تعلق خاطریش را نسبت به نصارا داشت و دست آنها را در امور مملکت بازگذاشته بود در نسخه خطی کتاب زینة- التواریخ ۳۹ راجع بارغون مطالبی بدین شرح مذکور است:

«ارغون که زنک کفر و الحاد آئینه خاطریش را تیره و تار داشت و چراغ بظلمتکده احوالش نتابیده بود در افروختن آتش شورش از همه بیشتر اصرار می نمود.»

این پادشاه پس از قتل وزیر دانشمند و با کفایتش خواجه شمس الدین محمد جوینی صاحب‌دیوان، وزارت را به سعد الدوله ۴۰ یهودی سپرد و بیش از پیش مسلمانان را از خود بدبین و متنفر ساخت. حتی مسلمین بیم آن داشتند که ارغون با کمک مسیحیان و اشاره پاپ اساس و بنیان اسلام را واژگون سازد. در اینخصوص سرجان ملکم مینویسد ۴۱

«در ایام وزارت سعد الدوله یهودی عیسویان را کار بالا گرفت و کوکب اقبال مسلمین راجع گشت تا کار بجائی رسید که اهالی اسلام را در هیچ کار معتبر مداخلت نماید بلکه حکم شد که در دربار شاهی حاضر نشوند و چون پاپای روم نکولای چهارم سفرا بدربار ارغون فرستاد تا اظهار امتنان از عنایات ایلخان نسبت به پیروان دین مسیح نماید مؤمنین از این معنی بر خویش لرزیدند که مبادا خانه مقدس کعبه را کلیسای نصاری کند اما فوت ارغون قطع بیم و امید طرفین کرده و هنوز بدنش سرد نگشته بود که گرم گرم خون سعد الدوله ریخته شد» ۴۲.

کتاب روضة الصفا نیز بطور اختصار اشاره‌ای بموضوع فوق نموده است.

«سعد الدوله بی‌دولت با ارغون مقرر کرد که کعبه را معبد اصنام سازد و اهل اسلام را تکلیف کند تا از عبودیت ملک دیان بعبادت او تان گرایند.»

ارغون اصولاً بایرانیان مسلمان اعتماد و اطمینان نداشت از اینرو همواره درصد بود که از وجود اقلیت‌های مسیحی و کلیمی در اداره امور مملکت خویش استفاده نماید.

چون در زمان سلطنت سلطان احمد تگودار تعدادی از نمازخانه‌ها و کلیساها بدستور وی ویران شده بود ارغون فرمان داد که کلیه کلیساهای ویران شده را از نو بسازند و آنهائیکه احتیاج به تعمیر دارند مرمت نمایند.

ارغون خان بعلت علاقه شخصی بمسیحیان و تحریک و تشویق این جماعت که در دربار او منزلتی تمام یافته بودند تصمیم به برقراری روابط دوستانه با اروپائیان علی‌الخصوص با دربار واتیکان گرفت.

ایلخان مغول بصوا بدید یه‌بلاها اسقف نسطوری ایران هیأتی را بریاست بارصوما ۴۳ کشیش اویغوری بدربار واتیکان اعزام داشت ۴۴.

اسامی اعضای هیات نمایندگی ایران غیراز بارصوما عبارت بود از سبادین آرخائون و توماس آنفوزین و یکنفر مترجم بنام اوگت ۴۵.

در این زمان نیکولای چهارم بر مسند پاپی تکیه زده بود (۱۲۹۲-۱۲۸۸ میلادی) و بسیار شایق بود که پادشاه بودائی مذهب ایران مسیحی شود و مدافع وفادار مسیحیان گردد، رفتار و سکنات ارغون و علاقه‌ای که به اقلیت‌های مسیحی داشت پاپ را تا اندازه‌ای در راه وصول بمقصود امیدوار ساخته بود.

در سال ۱۲۸۸ میلادی نمایندگان ایران در دربار واتیکان نامه پادشاه متبوع خود را تسلیم پاپ نمودند پاپ نیز در تاریخ دهم آوریل همین سال نامه‌هائی برای ارغون خان ارسال داشت.

در نخستین نامه اولاً از اعزام سفرا و مساعی آنان در راه اتحاد مغول و جهان مسیحیت اظهار تشکر و امتنان نموده و در ثانی راجع باصول و قوانین مذهب کاتولیک و نجات و رستگاری ابناء بشر در نتیجه فداکاری در راه حقانیت این آئین و پیشوای آن یعنی پسر خدا (عیسی) که باسماها صعود کرده و رستاخیز وی که باعث نجات مؤمنین خواهد شد و نیز در مورد حواریون و سردسته آنها سن پیر مطالب مبسوطی در نامه خود ذکر کرده

است، و در پایان نامه پاپ نیکولا، ارغون خان را تشویق میکند که با پذیرفتن مذهب کاتولیک بسوی سعادت و رستگاری گام بردارد ۴۶.

در نامه دوم که آنتیز در تاریخ دهم آوریل نوشته شده پاپ میخواهد که بمحض رسیدن نمایندگانش بدربار ایران، ایلخان با او در مورد آزادی ارض اقدس همداستان گردد و هرچه زودتر مسیحی شود و تعمیم یابد تا بدین ترتیب گروه بیشماری از اتباعش از وی پیروی نمایند و بسوی مسیحیت روآوردند ارغون میتواند با گرویدن بآئین مسیح از عذاب دوزخ برهد و سعادت جاودانی برای خود کسب نماید.

پاپ در همین زمان نامه‌هایی برای دو شاهزاده خانم مغول باسامی الگاک ۴۷ و توکتان ۴۸ که هر دو مسیحی بودند ارسال داشت و از مساعی آنان در راه ترویج و انتشار مسیحیت تشکر نمود. نمایندگان اعزامی پاپ مرکب از چند فرانسیسکن بودند که ریاست آنها را ژون دومونت کورینو ۴۹ برعهده داشت.

اعضای این هیأت قبلاً مدت ده سال در مشرق زمین و در سختترین شرایط به تبلیغ و اشاعه دین مسیح مشغول بودند و چون در سال ۱۲۸۹ میلادی بروم بازگشتند پاپ نیکولای چهارم که از تجربیات و اطلاعات وسیع آنان در خصوص مردم شرق و عقاید و آداب و رسوم آنها مستحضر شده بود به کورینو مأموریت داد که بدربار ارغون خان رود و نامه‌های ویرا تسلیم نماید.

کورینو با یارانش عازم دربار ایلخان ایران شد و پس از چند ماه به پایتخت ایران ۵۰ رسید و مورد پذیرائی دربار ایران قرار گرفت نماینده پاپ بعقیده مؤلف تاریخ مغول ۵۱ پاپ را در نظر ارغون و درباریانش همچون خداوند و رهبر و پیشوای یگانه معرفی کرد و چنان کرد که تاتارهای ساده دل با آغوش باز از مسیحیت استقبال کردند.

کورینو کشیش متهور و از جان گذشته واتیکان پس از اینکه در تبریز مأموریت خود را بانجام رساند برای ترویج آئین مسیح راه خاور دور را در پیش گرفت و بکشور باستانی چین رفت و در شهرهای بزرگ و پرجمعیت آن مملکت کلیساهای باشکوه بنا نهاد. بطور کلی مفاد و مطالب بیشتر نامه‌هایی که پاپ در این زمان بدربار ایران ارسال داشته همانطوریکه قبلاً ذکر شد تشویق و تحریض ایلخان مغول و درباریان او بگرویدن بآئین مسیح است، در بعضی از این نامه‌ها پاپ مصرأ از پادشاه ایران میخواهد که حامی و پشتیبان نمایندگان اعزامی او باشد و از جان آنها در قبال دشمنان و بدخواهان حمایت کند

ارغون خان در پاسخ نامه پاپ نامه‌هایی نوشت و آنرا به بوسکارل - دویزلف ۵۲ که از اهالی بندر جنوا ۵۳ بود سپرد تا هرچه زودتر بهمراهی عده دیگری از نمایندگان او بدربار پاپ برساند.

بوسکارل مأموریت داشت که شخصاً باطلاع پاپ برساند که قوای نظامی ایران آماده است که بیت المقدس را از چنگ مسلمین بدرآورد و در این مورد حمایت و پشتیبانی پاپ و پادشاهان اروپائی را طالب است

پاپ بلافاصله بوسکارل را که حامل نامه‌هایی نیز برای ادوارد اول ۱۲۰۷-۱۲۷۲ میلادی پادشاه انگلیس و فیلیپ لوبل ۵۴ (۱۲۸۵-۱۳۱۴ میلادی) پادشاه فرانسه بود بکشورهای مزبور اعزام داشت.

ضمناً پیشوای کاتولیکها طی نامه‌هایی که بپادشاهان انگلیس و فرانسه نوشت تأکید و توصیه نمود که بدقت نامه‌های سلطان مغول را مطالعه کرده تصمیمات مفید و ثمربخشی که برای ایلخان ایران امیدوارکننده باشد، اتخاذ نمایند. متن نامه پاپ از اینقرار است:

«وقتی که پسران عزیز ما نجیب‌زادگان آندره که قبلاً زاگان نام داشت و در دربار ما بوسیله کاردینال اوستی در راه خدا تعمیم یافته است و برادرزاده‌اش دومینیک که سابقاً گرگی نامیده میشد و باسکار لوس دویزلفوس همشهری جنوائی و همچنین موراسوس که فرستادگان ارغون پادشاه مشهور تاتارها و حاملین پیشنهادات و نامه‌ها هستند بدربار شما رسیدند. تقاضا داریم که از آنها بخوبی پذیرائی نمائید و چیزهایی را که از شما درخواست میکنند بدقت توجه نمائید و بسرعت کار آنها را روبراه نموده و اعزامشان دارید زیرا ما در بازگشت آنها میخواهیم که سفیر مخصوص و فوق‌العاده خود را بدربار پادشاه اعزام داریم.»

نامه‌ای که ارغون خان پادشاه فرانسه نوشته و ارسال داشته بود بزبان مغولی و خط اوغوری بود که اکنون در آرشیو دولت فرانسه محفوظ است و ترجمه آن از اینقرار است:

«بقدرت خدای ابدی، تحت توجهات و عنایات خاقان ارغون، گفته ما: «پادشاه فرانسه، بوسیله سفیر، مارباصوما ساخورا بمن اطلاع دادی، وقتی که دستجات قشون ایلخانی بچنگ مصریان میروند، عزیمت خواهید کرد تا بما ملحق شوید، خبر عزیمت شما برای ما مسرت‌بخش و دلپسند بود.»

من گفته‌ام که پیشنهاد کرده‌ایم که در راه خدا در آخرین ماه زمستان سال ۱۲۹۱ میلادی حرکت کنیم و جلوی دمشق موضع بگیریم، در پانزدهم اولین ماه بهار اگر تو قول بدهی و سپاهیان را در موعد تعیین شده بفرستی خاوند بما رحمت می‌آورد و بیت المقدس را میگیریم، من موسکریل ۵۵ لوکوروجی را بحضورت میفرستم که بتو بگویند که اگر تو برای ما سفرای دانائی بفرستی که بچند زبان صحبت کنند و برای ما پیشکش‌ها و تحفه‌ها و تصاویر رنگارنگی از کشور فرانسه بیاورند ما آنها را با میل و رغبت خواهیم پذیرفت و بقدرت خداوند و اقبال خاقان نامه‌ها نوشته شد در کوندولن ۵۶ در ششمین روز اولین ماه تابستان سال گاو...»

وقتی بوسکارل وارد دربار فرانسه شد چون نامه بزبان مغولی بود هیچکس نتوانست از مضمون آن مطلع شود. دوسون ۵۷ مینویسد:

«ارغون میداند که پادشاه فرانسه آماده است که با ارتش خود باو ملحق شود تا بر سرزمین مقدس تسلط یابد اگر شاه فرانسه با همراهان خود بیاید ارغون بکمک او و پادشاه مسیحی گرجستان که دست‌نشانده اوست میتواند بیست هزار نفر سوار نظام و خیلی بیشتر از این تهیه و آماده سازد و چون برای پادشاه فرانسه و بارون‌هایش دشوار است که با تعداد کثیری اسب از راه دریا و خشکی به بیت المقدس برسند لذا ارغون خان بیست الی سی هزار رأس اسب برای آنها خواه بعنوان پیشکش و خواه در ازای دریافت بهای مناسب تهیه خواهد نمود و همچنین ارغون قول میدهد که تعداد زیادی چهارپا و همچنین غلات و سایر احتیاجات قشون را فراهم سازد.»

از طرف دولت فرانسه بتشویق پاپ نمایندگان چند بایران آمدند ولی اینها به بهانه اینکه ارغون خان مسیحی نیست حاضر نشدند که در مقابلش زانو بزنند، با اینکه ایلخان چندین بار بوسیله افسران خود بنمایندگان فرانسه چگونگی اجرای مراسم و تشریفات درباری را تعلیم داده بود معهذا فرستادگان چگونگی اجرای مراسم و تشریفات درباری را تعلیم داده بود معهذا فرستادگان پادشاه فرانسه حاضر بانجام این مراسم نشدند ارغون خان بناچار آنها را در این خصوص آزاد گذاشت ولی در نامه‌ایکه برای حکومت فرانسه نوشت تقاضا کرد منبعه اگر سفیری اعزام میدارند باو تعلیم دهند که همان تشریفات و احتراماتی را که برای دربار خودشان قائل میشوند در اینجا نیز مرعی دارند.

نیکولای چهارم در تاریخ ۲۱ اوت ۱۲۹۱ میلادی نامه‌ای بارغون خان نوشت و باو اطلاع داد که بنسب زاکان نامه‌های ویرا دریافت داشته و بر حسب تقاضایش ویرا بانگلستان و فرانسه فرستاده است در این نامه بار دیگر صریحا ویرا بگرویدن بائین مسیح و انجام غسل تعمید دعوت کرده است. پاپ ضمنا نامه‌ای برای اروک خاتون ۵۸ فرستاد و از اینکه او مسیحی مذهب است اظهار خوشحالی و شادمانی نمود.

بطور کلی در زمان سلطنت ارغون باوجود مبادله سفرا و ارسال نامه‌های متعدد بین واتیکان و ایران مساعی طرفین در اجرای نقشه تسخیر بیت المقدس و سرکوبی مسلمین مصر و شام عقیم ماند ولی توسعه و گسترش روابط سیاسی سبب ازدیاد نفوذ و قدرت روحانیون مسیحی در ایران گشت با کوشش آنان و اجازه ارغون خان کلیساهای متعددی در ایران ساخته شد.

ضمنا بعلت آمدورفت زیاد نمایندگان اروپائی بدربار ایلخان ایران و توجهی که اینان با متعه و کالاهای ذیقیمت شرق داشتند باب مرادوت تجارتی بیش از پیش مفتوح گشت و شهر تبریز پایتخت ایلخانان یکی از بزرگترین مراکز بازرگانی آسیا گردید.

ارغون خان در سال ۶۹۰ هجری درگذشت و برادرش گیخاتو که مردی عیاش و بقول مورخان قدیم فاسق و فاجر بود بایلخانی انتخاب شد.

در زمان سلطنت گیخاتو کتاب دیاتسرون ۵۹ بفارسی ترجمه شد نام مترجم در کتاب ذکر نگردیده ممکن است تان او در صفحه اول کتاب که مفقود گردیده ذکر شده باشد باتوجه بجدول رمزی که در حاشیه کتاب ترسیم شده میتوان احتمال داد که مترجم آن عز الدین محمد بن مظفر معروف بوده است. این شخص در دربار گیخاتو مقام و منزلتی رفیع بدست آورده بود و همواره مورد توجه و عنایات ایلخان و وزیر او صدر الدین زنجانی قرار میگرفت

بطور کلی در زمان گیخاتو و جانشین بایدو خان ۶۰ بعلت قلت ایام سلطنت و هرج و مرج و آشوب داخلی و بیکیافتی ایلخانان مذکور فرصت برقراری روابط مجدد با اروپا حاصل نگردید.

بایدو خان بااینکه مسیحی نبود پیوسته در توسعه و پیشرفت آئین مسیحیت میکوشید با اینحال نسبت بمسلمانان بمهربانی و شفقت رفتار میکرد و حتی برای دلجوئی ایشان فرزند خود را برای اقامه نماز جماعت میفرستاد.

غازان خان فاتح بیت المقدس:

جلوس غازانخان بتخت سلطنت (۷۰۳-۶۹۵ هجری قمری-۱۳۰۴-۱۲۹۵ میلادی) که اسلام آورده و در این دین تعصب میورزید آغاز یک سلسله تحولات اساسی در اوضاع داخلی و روابط خارجی ایران بود.

در اینزمان بعلت فوت قویلای قآن بزرگ خاندان مغول حالت اطاعت و فرمانبرداری ایلخانان مغول نسبت بدربار خانبالیغ بکلی از میان رفت و سلاطین مغول ایران استقلال یافتند.

بسبب گرویدن ایلخانان بآئین اسلام، مسیحیان که تا این زمان همواره مورد توجه و عنایات دربار مغول بودند بیکباره موقعیت و اعتبار خود را از دست دادند. در کتاب جامع التواریخ ۶۱ رشیدی راجع به از میان برداشتن معابد و بتخانهها مطالبی بشرح زیر مذکور است:

غازانخان گوید «فرمود که پدر من بت پرست بود و بر آن درگذشت و جهت خود بتخانه و معبد ساخته و بر آن وقفی کرده بنام آن جماعت و من آن بتخانه را خراب کردم»

در روضة الصفا منقول است:

«باطراف و جوانب مکتوبات ارسال نمود تا مجموع کلیساهای نصاری و دیرمجوس را که سالهای دراز و دینار و جواهر شاهوار مزین و آراسته بود غارت کردند».

دوسون ۶۲ مینویسد «که مأمورین غازان در موصل علاوه بر خرابی کلیساهای ظروف مقدس را نابود کرده نه صلیبی و نه عودسازی و حتی نه کتاب انجیلی که پوشیده از طلا یا نقره بود باقی نگذاردند.»

ضمنا بدستور غازان دو کلیسای زیبارا که یکی متعلق به فرقه یعقوبی و دیگری بفرقه نسطوری تعلق داشت بکلی نابود کردند ۶۳ بفرمان ایلخان مسیحیان ملزم بودند که با علامت زناریا وصله ای بر لباس خود در معابر ظاهر شوند یهودیان نیز مجبور بگذاشتن کلاه مخصوص بر سر بودند تا از مسلمانان تمیز داده شوند در شهرهایی که تعداد مسیحیان زیاد بود توهین و اهانت نسبت بانان با شدت بیشتری انجام میشد چنانکه در بغداد قوم نصاری جرئت خروج از خانه را نداشتند فقط زنان مسیحی بعلت تشابه البسه خود با مسلمانان میتوانستند در صورتیکه شناخته نشوند بازادی در کوی و برزن رفت و آمد نمایند ۶۴ سرپرسی سایکس ۶۵ در مورد سختگیری غازان نسبت بمذاهب غیر اسلامی میگوید که اگر وساطت پادشاه ارمنستان از مسیحیان تبعه ایران نبود تعدیل روش خصمانه سلطان مغول نسبت باین قوم ممکن نمیگردید.

غازان خان که در جنگ بر علیه مصریان بکمک ارمنه و گرجیان نیازمند بود اقداماتی را که علیه مسیحیان و یهودیان آغاز کرده بود متوقف ساخت و روش مدارا در قبال ایشان پیش گرفت و حتی جزیه را که مجددا از غیر مسلمین گرفته میشد لغو ساخت اما بوداییان را مجبور کرد که یا اسلام آورند و یا کشور را ترک گویند.

باوجود سختگیری و شدت عملی که ابتدا غازان نسبت بعیسویان از خود نشان داده بود مع الوصف روابط سیاسی ایران با دربار واتیکان و سلاطین اروپائی کماکان برقرار بود حتی باوجود مسلمان شدن ایلخان همچنان پاپهای رم انتظار داشتند که بکمک پادشاه ایران دنیای مسیحیت را در پیکار با مسلمین به پیروزی و موفقیت رهنمون گردند. ۶۶

در اینزمان صلیبیون در شام و فلسطین بعلت قدرت سلطان مصر، الملک منصور سیف الدین قلاوون استحکامات و مواضع مهم خود را یکی پس از دیگری از دست داده و عقب نشستند صلاح الدین خلیل پسر و جانشین قلاوون دنباله اقدامات پدر را در نابودی قدرت صلیبیون تعقیب کرد و پس از چندی شهرهای مستحکم عکا و صیدا و صور و بیروت را از ایشان پس گرفت و بکلی قدرت آنها را در این نواحی مضمحل ساخت.

غازان خان به پیروی از هدفهای جاه طلبانه اسلاف خود تصمیم بلشکر- کشی بصفحات شام و فلسطین گرفت و در سال ۶۹۹ هجری بشام حمله برد و بزودی موفق بفتح این ناحیه و سرزمین فلسطین گردید. ۶۷

خبر پیروزی و موفقیت ایلخان ایران بر ممالیک مصر انعکاس مطبوعی در اروپا داشت و پاپ و پادشاهان و امرای مغرب زمین را غرق شادی و شغف نمود آنها سالها بود که مرتباً دچار شکست و ناکامی در مبارزه با مصریان میشدند بنابراین فتح مجدد اماکن مقدس که زادگاه مسیح و زیارتگاه میلیونها عیسوی جهان بود آنهم بوسیله سلطان مغول که ایشان ویرا مسیحی می پنداشتند واقعا مسرت بخش بود.

دربار واتیکان و سلاطین اروپائی بلافاصله پس از وصول خبر فتح بیت المقدس مصمم شدند که با تشویق و ترغیب ایلخان به ادامه این پیکار بکلی ریشه نفوذ و اقتدار مصریان را در فلسطین براندازند و بدین ترتیب انتقام ناکامیهای خود را در مبارزه با ممالیک مصر بوسیله قوای مغول بگیرند.

غازان خان نیز با وجود تعصب در دین اسلام برای تکمیل فتوحات خویش در بلاد شام و فلسطین مایل بایجاد روابط دوستانه با اروپائیان بود و همکیشی با مصریان مانعی در راه مقاصد وی ایجاد نمیکرد این مطلب برای پاپ و سایر سلاطین اروپا این شبهه را بوجود آورد که ایلخان باطنا تعلق خاطری بدین اسلام ندارد و ممکن است باندک تشویقی تغییر آئین دهد.

سرجان ملکم مینویسد: ۶۸

«غالباً محرران فرنگستان را عقیدت این شد که غازان در دین اسلام استوار نبود و جنگهایی هم که علی الاتصال با سلاطین مصر داشت که در آن ایام ایشان حامی دین پیغمبر عرب بودند تأیید عقیده ایشان را نمود لکن محرران اسلام در صدق عقیدت و رسوخ ارادت غازان خان شک ندارند».

پاپ بونیفاس هشتم (۱۳۰۳-۱۳۹۴ میلادی) که آرزو داشت یکبار دیگر ارض اقدس یا کعبه مسیحیان بوسیله ایلخان مغول مستلخص گردد و بقوم نصاری واگذار شود سلاطین اروپا را اعزام سفرا و ارسال نامه‌های محبت‌آمیز بدربار تبریز تشویق میکرد. لکن در آن ایام اروپائیان بعلت گذشت زمان و تجربیاتی که از محاربات صلیبی کسب کرده بودند هیچگونه عکس‌العمل مساعدی در مقابل پیشنهادات و خواسته‌های پاپ از خود نشان نمیدادند و اصولاً سرگرمیها و اشتغالات داخلی بانان فرصت و مجال توجه باینگونه مسائل را نمیداد.

جیمز دوم پادشاه آراگون در رمضان سال ۷۰۰ هجری قمری (مه ۱۳۰۰ میلادی) نامه سراسر تحسین بوسیله سفیر خود موسوم به پیرسولپور و ۷۰ که از بورژواهای بارسلون ۷۱ بود بایران فرستاد و در آن نامه خاطر نشان ساخت اتباع او حاضرند پایه پای عساکر ظفر نمون ایران در راه آزادی فلسطین بجنگند و تا پای جان در این راه استقامت کنند، ضمناً از غازان خان درخواست کرد که اولاً از زورا آراگنی که برای زیارت اماکن مقدسه بفلسطین می‌آیند مالیات و خراجی گرفته نشود و در ثانی یک پنجم از اراضی مقدسه را که از مسلمین گرفته است به مسیحیان واگذار نماید.

معلوم نیست که غازان خان به تقاضای پادشاه آراگن چه جوابی داده است ولی میتوان گفت که ایلخان ایران بی‌میل نبود که در صورت فتح اماکن مقدس قسمتی از آنرا بمسیحیان واگذار نماید تا مراسم مذهبی خود را در کمال آسودگی و آسایش انجام دهند. ایلخان بزرگ ایران با دربار انگلستان و فرانسه نیز روابط سیاسی برقرار کرده بود و سفرهای او بحضور ادوارد اول پادشاه انگلستان رسیدند و نامه‌های سلطان متبوع خود را تسلیم نمودند ادوارد نیز سفیری بنام جوفری دولانگلی ۷۲ به‌مراهی دو تن از رجال دربار خود بایران فرستاد و نامه‌ای نیز برای خلیفه مسیحیان مشرق ارسال داشت ۷۳

بی‌علاقگی سلاطین اروپا بمسائل مشرق و کم‌قدرتی پاپ در این زمان که دیگر آن نفوذ کلام سابق را نداشت و نیز شکست بزرگ غازان در سال ۷۰۲ هجری در محل الصفرا ۷۴ از سپاهیان سلطان مصر الملک الناصر و متحدینش کلیه اقداماتی را که در طریق اتحاد و اتفاق دول اروپا و پاپ با دولت ایلخان ایران انجام شده بود بی‌ثمر ساخت.

قیصر روم شرقی که در اینوقت آندرونیک پالئولوگ نام داشت از تهاجم ترکان عثمانی به قلمرو حکومت خویش بیمناک شده و از غازان کمک خواست ولی درگذشت ایلخان مانع از همراهی وی نسبت بدولت بیزانس گردید.

با اینکه سلطان محمود غازان چندان رعایت حال مسیحیان کشور خود را نمیکرد معهذاً درگذشت او در سال ۷۰۳ هجری قمری برای مسیحیان که امید بسیاری باو در مبارزه با ممالیک مصر بسته بودند تأسف و اندوه ببار آورد.

سرجان ملکم ۷۵ در این‌باره اشاره میکند.

«مؤلفان غرب بر فوت غازان افسوس می‌خوردند از این سبب که عماد ملت و سناد مذهب عیسوی ویرا دانند لکن گویا این افسوس بجهت این باشد که او آخر سلطانی بود از ایران که علی الظاهر در استرداد فلسطین مایل بمعاونت پیروان صلیب بود.»

سلطان محمد خدابنده الجایتو ۷۶ و پاپ کلمان پنجم ۷۷

ایلخان جدید فرزند ارغون و برادر کوچک غازان بود و چون مادرش از قبیله مسیحی کرائیت بود در سنین طفولیت مطابق آئین مسیح تعمید یافت و نیکولا نام گرفت.

الجایتو پس از مرگ مادر بعلت ازدواج با زنی مسلمان؛ باسلام متمایل شد و بر اثر تشویق روحانیون حنفی خراسان شعبه حنفی مذهب تسنن را پذیرفت، بعدها در نتیجه نفوذ و قدرتی که علمای شیعه در دربار او بدست آورده بودند به اصرار آنها شیعی مذهب گردید و تا آخر عمر را در این کیش بسرآورد.

الجایتو شهر سلطانیه را ساخت و آنرا مقر حکومت خود قرار داد. نوشته‌اند که بعلت گذشت و اغماضی که این پادشاه در حق اقلیتهای مسیحی از خود نشان داد در زمان او قریب ۲۵ کلیسا در سلطانیه برپا شد و بدستور پاپ‌ژان سیزدهم شهر سلطانیه مرکز اسقف‌نشین دومینیک‌ها در آسیای غربی انتخاب گردید. ۷۸ سلطان محمد خدابنده پس از فتح گیلان که مدت طولانی اوقات وی مصروف آن شد تصمیم گرفت به بلاد شام و فلسطین لشکرکشی کند، مسیحیان ارمنستان و جزیره قبرس نیز شاه را باین کار تشویق میکردند، وی برای نیل به پیروزی قطعی خیلی مایل بود که از حمایت پاپ و سایر پادشاهان و امرای مقتدر اروپائی بهره‌مند گردد بنابراین در زمان سلطنت این پادشاه هم مبادله سفرها و نمایندگان سیاسی و مذهبی و ارسال مراسلات کما فی السابق برقرار بود.

الجایتو در سال ۷۱۴ هجری (۱۳۰۷ میلادی) سفیری بنام توماس ایلدوچی ۷۹ را با نامه‌هایی که در محل او جان بخت او بفروری نوشته شده بود مأمور فرنگستان کرد در این نامه سوابق روابط ایرانیان با اروپائیان و اتحاد و اتفاق آنان برعلیه سلطان مصر بازگو شده بود...

الدوچی نخست بفرانسه رفت و بخدمت فیلیپ لوبل پادشاه این کشور رسید و پس از دو سال اقامت در این مملکت باتفاق مردی موسوم به مملاح ۸۰ عازم انگلستان گردید و در شهر نارتتمپوت بنزد پادشاه انگلیس ادوارد دوم رفت و نامه‌ای را که به عنوان ادوارد اول نوشته شده بود بوی تسلیم نمود ۸۱

ایلدوچی و مملاح پس از دریافت جواب نامه در تاریخ ۱۶ اکتبر سال ۱۳۰۷ از انگلستان روانه ایتالیا شدند.

دوسون مؤلف تاریخ کبیر مغول درباره سیاست و روش محیلانه توماس ایلدوچی خاطر نشان میسازد که وی در تمام مدت توقف خود در اروپا مذهب پادشاه متبوع خود را پنهان داشت و همه جا وانمود میکرد سلطان محمد خدابنده مانند دوران کودکی خود، مسیحی باقی مانده و باین کیش فوق العاده علاقمند است ۸۲. این موضوع برای پاپ کلمان پنجم و سایرین که امید تسخیر مجدد اماکن مقدسه را در مخیله داشتند امیدوارکننده بود، بیشتر از همه پاپ علاقمند بود که با پادشاه بظاهر مسیحی مشرق زمین دوستی و مودت گذشته را تجدید نماید.

در تمام نامه‌هایی که از پاپ کلمان پنجم (مورخ مارس ۱۳۰۸) و ادوارد دوم پادشاه (مورخ ۳۰ نوامبر ۱۳۰۷) و فیلیپ لوبل موجود است صریحا خدابنده را باتحاد و اتفاق برعلیه مسلمانان و نابودی آئین محمدی دعوت کرده‌اند.

ترجمه متن نامه پاپ را که در تاریخ اول مارس ۱۳۰۸ از پواتیه ۸۳ برای سلطان محمد خدابنده الجایتو ارسال داشته است عینا از کتاب تاریخ مغول دوسون نقل مینمائیم:

«ما با کمال خوشوقتی، سفیر شما توماس ایلدوچی را که حامل نامه‌هایتان برای ما بود در دربار روحانی خود پذیرفتیم و با دقت بسیار محتویات و مطالب نامه‌ها را مورد بررسی قرار داریم، آنچه را که در این نامه‌ها نوشته شده بود و آنچه را که نماینده شما برای ما بیان کرد با کمال خرسندی و رضامندی می‌پذیریم.

پیشنهاد کرده بودید که بشما در راه آزادی و استخلاص مجدد بیت المقدس کمک و مساعدت کنیم و نوشته بودید که حاضرید دویست هزار رأس اسب و دویست هزار بار گندم در ارمنستان آماده نگهدارید تا هنگامیکه قشون مسیحیان بانجا میرسند از آنها استفاده کنند و ضمنا خود تا نهم از ایران با یکصد هزار سوار نظام برای کمک و مساعدت مسیحیان جهت بیرون راندن قوای دشمنان از بیت المقدس آماده حرکت میباشید.

ما پیشنهادات شما را بانهایت خشنودی می‌پذیریم، در واقع خواسته‌ها و نظرات شما باعث قوت قلب ما شده است همچون غذائی روحی و معنوی ما تصور میکنیم که سفیر شما مانند فرشته‌ای از جانب فرشته دیگری مانند خود تعهد کرده است که مانند آباکوک به دانیل ۸۴ که در قفس شیران محبوس است

غذای مقوی برساند البته شما برای ما غذائی شیرین فرستاده‌اید و ما را با چنین همراهی و مساعدت پرافتخاری امیدوار ساخته‌اید.

در خصوص این مسأله با برادران خود مذاکره و مشاوره کردیم و موضوع آزادی بیت المقدس را بانهایت دقت و موشکافی مورد مطالعه قرار دادیم.

ما بین تمام آمال و آرزوهایمان، آنچه همواره فکر و اندیشه ما را بخود معطوف کرده اینست که ببینیم با موهبت الهی زمینی که پاپهای خداوند ما (عیسی) آنرا لمس نموده است برگردد به پرستش و دیانت مسیح. ۸۵

معهدا تصور میکنیم (عقیده ما چنین است) که باید باتوجه و دقت هرچه تمامتری وسایلی را که بتواند این منظور خیرخواهانه و مقدس را به نتیجه مطلوب برساند در نظر بگیریم.

از این جهت ما و برادران، دقت خواهیم کرد که این موضوع مورد مشاوره دقیق قرار گیرد.

و امیدواریم که، با یاری باریتعالی تا آنجائی که در توانائی داریم بآنچه که خدا بر ما الهام میکند جامه عمل ببوشانیم وقتیکه فصل مناسب برای گذشتن از دریا فرارسد ما کوشش خواهیم کرد که بوسیله نامه یا چاپار بشما اطلاع دهیم تا شما خود را برای چنین اقدام بزرگی که ذات والای شما وعده آنرا بما داده است آماده و مهیا سازید...

اما شما باایمان و اعتقاد در اسخ بسوی مسیحیت رویاوردید ۸۶ که در حقیقت میلاد) او دسته‌ای از جوانان اسرائیلی را ببابل تبعید کرد، وی مورد توجه و عنایت پادشاه بابل نبو که نصر و جانشینش evilmerodach قرار داشت این امر حسادت مغان بابل را بر انگیخت آنها شاه را وادار کردند که دانیل را بقفس شیران بیندازد ولی فردای روز بعد دانیل را صحیح و سالم یافتند (تورات) در ادبیات معمولا موضوع دانیل و قفس شیران را برای کسانی که از مهلکه بطور معجزه‌آسائی جان بسلامت برده‌اند بعنوان مثال و شاهد می‌آورند. نقل از « petit-larousse illustre ».

راه زندگی و تقوی است، از او و حکومت روحانی او پیروی کنید، باکمال قوت و استحکام در تصمیم قابل تمجیدی که در مورد بیت المقدس گرفته‌اید پابرجا و استوار باشید.

بکوشید در این خصوص و مسائل دیگر مربوط بآن، تا سرزمینی را که عیسی (نجات‌دهنده) آنرا تحسین و تمجید کرده است بدست آورید تا در نتیجه از عیسی مسیح حصه بزرگی از سعادت و لذات آسمانی و افتخار و سربلندی در این دین کسب نمائید. ما و مرکز روحانی ما از کامیابی‌ها و افتخاراتی که نصیب شما خواهد شد شادمان و خرسند خواهیم گشت..

*** پاپ در نامه دیگری که برای اولجایتو نوشته است ابراز خرسندی مینماید که نیکولا ۸۷ به تعمیدی که یافته است وفادار بماند و فرایض دینی خود را مانند دیگر مسیحیان انجام دهد.

ضمنا باو اندرز میدهد که روش و شیوه زندگی خود را تغییر ندهد و در این مورد از کسی ترس و واهمه نداشته باشد، سپس اصول آئین مسیح را مفصلا برای وی تشریح نموده و در پایان نامه در مورد لباس و غذای دو برادر روحانی که مأمورند نامه‌های او را بایلخان برسانند توصیه و سفارش میکند.

لازمست که باین نکته اشاره شود که در تمام دوره سلطنت ایلخانان بر ایران پاپ‌ها همیشه واسطه ارتباط سلاطین اروپائی با ایران بوده‌اند و اصولا در آندوره سلاطین مشرق زمین شأن و مقام و منزلت پاپ را مافوق سلاطین دیگر اروپایی تصور کرده و ریاست و سیادت ایشان را بر سایرین مسلم می‌دانستند. ۸۸

باوجود علاقه و میل وافری که پاپ باتحاد با الجایتو بر علیه مسلمین مصر و شام داشت؛ بعلت تمرد و عدم اطاعت سلاطین اروپائی از وی عقد قرار داد اتحاد فیما بین ایلخان ایران و اروپائیان ممکن نگردید و روابط دیپلماسی جز از حدود مبادله نامه و تعارفات جاریه تجاوز ننمود.

باید توجه داشت که سلاطین اروپا از جنگ‌های صلیبی درس عبرتی گرفته بودند و کاملا این امر بر آنها مشتبه شده بود که هرگز نخواهد توانست بر سپاهیان جنگ آزموده مسلمان که از امکانات بیشتری برخوردارند برای همیشه فایق آیند. از طرفی خصومت‌ها و رقابت‌های دائمی این سلاطین که بالاخره منجر بجنگ‌های داخلی در اغلب ممالک اروپائی شد اصولا مجال توجه بمشرق زمین و ادامه مبارزات صلیبی را نمیداد، بدین سبب مساعی پاپ که خود او در اینزمان از قدرت و شوکت گذشته بهره‌ای نداشت نتوانست بار دیگر تعصبات آنها را به غلیان آورده و باعث ایجاد اتحاد نظامی با مغول بر علیه مسلمین گردد.

در زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده روابط بازرگانی ایران با اروپا توسعه فراوانی یافت، شهرهای تبریز و سلطانیه اهمیت بسزائی کسب کردند.

در اینزمان یکی از روحانیون معروف مسیحی که از فرقه فرانسیسکنها بود موسوم به ادوریک، ۸۹ برای سرکشی و تفتیش کلیساهای ایران و سایر کشورهای آسیائی در بین سالهای ۱۶ تا ۷۱۸ هجری بایران آمد و پس از انجام مأموریت خود در این کشور به هند و چین مسافرت نمود و از مراکز دینی این نواحی بازدید کرد و نتیجه مشاهدات و مطالعات خود را که ره آورد جالبی بود در سفرنامه‌ای انتشار داد، سفرنامه وی بسبب مطالب مفیدی که درباره اوضاع و احوال ایران این زمان دربردارد دارای ارزش بسیاری است.

ابو سعید بهادر و پاپ ژان ۲۳

ابو سعید بهادر خان (۷۳۶-۷۱۶ قمری، ۱۳۳۵-۱۳۱۶ میلادی) در سنین جوانی پس از مرگ پدر پادشاهی رسید با اینکه مسلمان بود ولی فاقد تعصب بود اقلیتهای مذهبی باسودگی میزیستند، در تمام مدت سلطنتش فقط یکبار تحت تأثیر بعضی از روحانیون متعصب و مغرض دستور تعطیل چندین کلیسا را در مملکت داد.

در زمان سلطنت این پادشاه سلطان مصر که الملک الناصر نام داشت دستور حمله بآرمستان را صادر نمود. امرا و سرداران وی در سال ۷۲۰ هجری قمری شهر سیس پایتخت کیلیکیه را غارت کرده و تصمیم باشغال سرتاسر خاک آرمستان گرفتند لئون پنجم پادشاه خردسال آرمستان و اتابک او چون کار را برین منوال دیدند بلافاصله نامه‌ای به پاپ ژان بیست و دوم (۱۳۳۴-۱۳۱۶) نوشته و از او در قبال حمله مهاجمان مصری کمک خواستند.

پاپ چون بی‌توجهی سلاطین اروپا را که مشغول جنگ و ستیز با یکدیگر بودند مشاهده کرد بناچار برای دلگرمی لئون نامه‌ای باو نوشت و اظهار داشت که خود بشخصه قوائی تهیه کرده و بیاری وی خواهد شناخت، این خبر وقتی بگوش سلطان مصر رسید بر شدت حملات خود را در آرمستان افزود.

ضمناً امیر تیمور تاش هم که از طرف ابو سعید بهادر حکومت بلاد شام را داشت بنواحی عیسوی‌نشین سرزمین خود تاخته و باتفاق امرای ترک‌نژاد این سامان بقوم نصاری آسیب فراوان رسید و گروه کثیری نیز بهلاکت رسیدند.

مصریان شهر آدانا (آدانه) ۹۰ را آتش زده و قریب ۲۰ هزار نفر از آرامنه را باسارت خود درآوردند.

اخبار وحشت‌انگیز و جانگدازی که در خصوص کشتار مسیحیان و نابودی شهرها و مساکن آنها بدست لشکریان مصر و ترکان خونخوار باروپا میرسید بقدری مسیحیان را متأثر نمود که جمگی حاضر بپرداخت کمک و اعاناتی بوسیله دربار واتیکان بآرامنه آسیب‌دیده شدند.

پاپ ژان بیست و دوم که نتوانسته بود بوعده خود وفا کرده و کمک و همراهی لازمی به آرامنه نماید ناچار در تاریخ ۱۲ ژوئیه سال ۱۳۲۲ میلادی مطابق با ۲۷ جمادی الثانی ۷۲۲ هجری از شهر آوین یون ۹۱ در فرانسه که مقر جدید پاپ‌ها شده بود نامه‌هائی برای ابو سعید بهادر پادشاه مغول ایران ارسال داشت، در این نامه‌ها پس از ذکر روابط دوستی و مودتی که سابقاً میان دو کشور بود ویرا بکمک رساندن و همراهی فوری بآرمستان دعوت نمود و متن قسمتی از نامه پاپ بقرار ذیل است: ۹۲

«ما اغلب شنیده‌ایم که اجداد شما که بیزرگواری و بلندهمتی مشهور بوده‌اند، سفرائی برای اظهار محبت و احترام عمیق خود بدستگاه روحانی شهر رم و دربار واتیکان گسیل داشته‌اند، آنها با پادشاهان اروپا قراردادهای دوستی و مودت منعقد ساخته‌اند، پادشاهان مسیحی و همچنین اسلاف ما آنها را با شادی و شرف در دربارهای خود پذیرفته‌اند، اجداد شما و این سلاطین با مبادله پیشکشها و هدایا یکدیگر را مفتخر نموده‌اند.

شما در صورتیکه با ما روابط گذشته را تجدید کنید شایستگی‌تان را با علی درجه خواهید رساند، و نیز اگر توسط سفرائی از اینگونه، بتجدید مراتب دوستی خود با پسر بسیار عزیز ما در نزد عیسی مسیح پادشاه نام‌آور فرانکها اقدام نمائید موجبات شادی ما را فراهم خواهید کرد از خدا می‌خواهیم که آنچه شما را خشنود میسازد مقبول طبع پروردگار افتد.»

ابو سعید پس از دریافت نامه‌های پاپ درصدد برآمد که اقداماتی در جهت جلب رضای وی انجام دهد مخصوصاً باشاره پاپ در این اوان نمایندگان نیز از جانب لئون پادشاه آرمستان بحضور او آمده و از وی طلب کمک و مساعدت در مبارزه با مصریان کردند.

سلطان ابو سعید با اینکه از مدتها پیش با پادشاه مصر روابط حسنه‌ای برقرار کرده بود معه‌ذا مایل نبود که بارامنه رنج و آزاری برسد لذا نامه‌ای بسطان مصر نوشت و او را بانعقاد قرارداد صلحی با پادشاه ارمنستان دعوت کرد.

از طرفی برای اینکه خواهش پاپ ژان بیست و دوم را اجابت کرده باشد سپاهی بیست هزار نفری برای کمک بارامنه بخطه ارمنستان گسیل داشت خوشبختانه پس از این تاریخ دیگر هیچگونه نزاعی بین آرامنه و مصریان بوقوع نیبوست تا قوای ایلخانی در آن مداخله نماید.

پیشوای مسیحیان ارمنستان چون از کمک و مساعدت پاپ نومید شد چاره را در صلح و آشتی با مصریان دید و خود بشخصه با الملک الناصر پادشاه مصر ملاقات کرده و معاهده‌ای بمدت ۱۵ سال بین طرفین منعقد گشت (۷۲۹ هجری قمری).

برطبق این قرارداد لئون پنجم پادشاه ارمنستان حاضر شد که تحت قیومت و تبعیت پادشاه مصر باشد و سرزمین خود را تحت الحمایه آنکشور بداند.

با این ترتیب ملاحظه میکنیم که جز مسأله ارمنستان مورد دیگری پیش نیامد تا بین دربار ایران و واتیکان مبادلهء سفرا و مراسلات برقرار گردد از روحانیون بزرگی که در زمان سلطان ابو سعید بایران مسافرت کرده‌اند میتوان از فرانسوا دو پروز نام برد. این کشیش از جانب پاپ ژان بیست و دوم برای ساختن کلیسائی در شهر سلطانیه عازم ایران شد و پس از ورود باین کشور رسماً از جانب بریاست روحانی مسیحیان ایران و ممالک مجاور منصوب گردید و از سال ۷۱۸ هجری تا ۷۲۴ در ایران مشغول انجام وظیفه بود تا بجای دیگری مامور شد.

پس از درگذشت ابو سعید بهادر (۷۳۶ هجری) بعلت نزاع و کشمکشهای طولانی بر سر جانشینی وی اوضاع آنچنان آشفته‌ای بوجود آمد که ده‌ها سال ادامه داشت و بالاخره منجر بتجزیه دولت ایلخانی گردید.

از تجزیه دولت ایلخانی سلاله‌های کراهمیتی در نقاط مختلف ایران پیدا شد که یکی از دیگری بوسیله یورشهای پیاپی تیمور از صفحه روزگار محو گردید

میر هادی حسینی

(۱)- از ۶۵۱ تا ۷۳۶ هجری قمری

(۲)-ر.ک به تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت تألیف عباس اقبال ص ۱۹۸

(۳)-همان کتاب ص ۱۹۸

(۴)-نزدیک شهر دمشق پایتخت سوریه

(۵)-ر.ک به تاریخ مغول اقبال ص ۱۹۸-۱۹۹

(۶)-ر.ک بکتاب تحقیق درباره دوره ایلخانان ایران تألیف دکتر منوچهر مرتضوی ص ۷۷

(۷)-ر.ک بکتاب تاریخ مختصر ایران از اول اسلام تا انقراض زندیان تألیف پاولهرن ترجمه دکتر رضازاده شفق ۱۳۱۴ ص ۷۱

(۸)- odoric-raynold نقل از تاریخ مغول تألیف دوسون ص ۴۱۰ جلد سوم

(۹)-alexndre iv (۱۲۶۴-۱۲۵۴) درباره این پاپ مینویسند که مردی صلحجو و مهربان و رحیم و عادل بود وی نسبت بخصایص جنگجویانه اسلاف خود رغبتی نشان نمیداد، دینداری را بر سیاست رجحان میداد و بقول یکی از وقایع‌نگاران فرانسویسن، چون همه روزه شاهد کشمکش‌های موحش دائم التزایدی میان عیسویان بود دلشکسته از جهان رفت.

(۱۰)- gean hongrois

(۱۱)- mictel paleolgus میشل هشتم امپراطور قسطنطنیه و مؤسس سلسله پائولوگ.

(۱۲)-ر.ک به کتاب (dece pays.raconte?s.a la perse(moeurs-usages et ccutumes histoire de) ص ۲۱۴ laure bernard geunesse par mme

(۱۳)-پاپ کلیمان چهارم (clment iv) (کلمنت) یکی از مشهورترین پاپ‌ها بشمار میرود او در مبارزه با امپراطوران آلمان، خاندان هوهنشتافن را بروز سیاه نشانید.

(۱۴)-این نامه را پاپ در تاریخ ۱۲۶۷ میلادی در شهر ویتروبو (viteroo) در ۸۴ کیلومتری رم نگاشته بود.

(۱۵)-نامه‌های پاپ به معمول آنزمان دربار واتیکان بزبان لاتین نوشته میشده و چون اهمیتی داشته است و مترجمی برای این زبان در میان ایرانیان نبوده یا در دربار واتیکان آنرا بزبان فارسی مخصوصی که رنگ بیگانگی خورده بود ترجمه میکردند و اصل ترجمه را بایران می‌آوردند و یا مبلغان اروپائی در ایران ترجمه میکردند(سعید نفیسی)

(۱۶)-بلنسیه یا والانس از شهرهای اسپانیا.

(۱۷)-آراگون ناحیه وسیعی از خاک اسپانیا است.

(۱۸)-ر.ک به کتاب تاریخ مغول اقبال ص ۲۰۳

(۱۹)- gregoire x

(۲۰)-مقصود فتح بیت المقدس است.

(۲۱)-ر.ک به کتاب تاریخ سیاست خارجی ایران تألیف دکتر کاظم صدر از ص ۳۷ تا ص ۴۵

(۲۲)-در تاریخ ایران سرپرسی سایکس مورخه ۲۶ زانویه(۱۳۷۵) ۱۳۷۴ ذکر شده است ص ۱۴۰

(۲۳)-دکتر جواد صدر

(۲۴) - gean xxi

(۲۵) - قویلیای قآن فرزند تولی خان و عموی اباقا بود وی در اینزمان امپراطور چین بود مارکوپولو جهانگرد معروف ونیزی سالها در دربار وی میزیست و در سفرنامه خود از شکوه و جلال دربار خاقان چین و خصائل نیکوی قویلیای سخن‌ها گفته است.

(۲۶) - nicclas III

(۲۷) - خان‌بالیغ-پکن یا پکینگ پایتخت چین

(۲۸) - ابو لستین-ابلستین-ابلستان در مشرق قیساریه بین جبل توروس و قسمت علیای نهر جیحان(خاک ترکیه)(نقل از کتاب تاریخ مغول اقبال ص ۲۱۳)

(۲۹) - جلد پنجم روضة الصفا

(۳۰) - نسور جمع نسر(کرکس‌ها)

(۳۱) - gean denha

(۳۲) - بانوی طریقه نسطوری، نسطوریوس nestorius اسقف قسطنطنیه بود که در سوریه بدنیا آمد و در سال ۴۲۸ میلادی بمقام اسقفی قسطنطنیه رسید بعدها بعلت عقاید افراطی‌اش(افراطیش)در انجمن مذهبی شهرافز eptese از منصب خود خلع شد و در حدود سال ۴۴۰ در صحاری لیبی درگذشت-نسطوریها معتقد بودند که مسیح دو طبیعت مجزا از یکدیگر داشته یکی انسانی و دیگری ربانی و حال آنکه یعقوبیان را عقیده بر آن بود که این دو طبیعت در ذات مسیح وحدت یافته است.

(۳۳) - vahballaha III

(۳۴) - ابن صوما-برصومه-رابان-سوما barsuma

(۳۵) - honorius iv

(۳۶) - عالیجناب اسقف یوحنا عیسائی رئیس کلیسای کلدانی‌های کاتولیک تهران خطوط آرامی را ترجمه کرده‌اند.

(۳۸) - خواند میر(خواجه غیاث الدین هماد الدین معروف و ملقب بخواند میر بواسطه کتاب حبیب السیر یکی از نامی‌ترین نویسندگان پارسی در سده دهم هجری است).(سعید نفیسی)

(۳۹) - جلد دوم صفحه ۵۲۵

(۴۰) - سعد الدوله قبل از رسیدن بمقام وزارت بتجارت اشتغال داشت، در مقام جدید با موافقت ارغون خان اکثر قوم و خویشان خود را بمشاغل حساس مالی و کشوری منصوب نمود وی از طبابت سررشته داشت و از اطبای معروف زمان خود محسوب میشد.

(۴۱) - تاریخ ایران ص ۱۳۹ ذکر سلاطین چنگیزیه

(۴۲) - ۶۹۰- هجری قمری

(۴۳) - رابان بارصوما یاسائوما که بزبان سریانی بمعنای معلم است

(۴۴) - ارغون خان با اونوریوس چهارم که مدت کوتاهی مقام پاپی داشت روابط صمیمانه‌ای برقرار کرده بود و در نامه‌ایکه برای پاپ مذکور نوشت خاطرنشان کرد که نمایندگانش را به فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا و شارل دانژو معرفی نماید ولی هنگام ورود نمایندگان بدربار واتیکان نیکولای چهارم جای اونوریوس را گرفته بود.(عکس‌نامه ارغون خان که بدربار پاپ ارسال داشته است ضمیمه این مقاله است عکسهای شماره ۸ و ۹)

(۴۵) - uquet

(۴۶)-نقل از کتاب *histoire des mongol* جلد چهارم تألیف دوسون

(۴۷)- *elegag*

(۴۸)-توکتان خاتون *touctan* بیوه آباقا و مادر گیخاتوخان بود

(۴۹)- *john de monte corvino*

(۵۰)-پایتخت ایران در اینزمان شهر تبریز بود

(۵۱)-دوسون-جلد چهارم ص ۶۹-۷۰

(۵۲)- *buscarelle de jisulf*

(۵۳)-از بنادر معروف ایتالیا *genes*

(۵۴)- *philippe iv,lebel*

(۵۵)-موسکرل همان بورسکارل است چون مغول اغلب بجای حرف ب حرف میم میگذاشت.

(۵۶)- *condaulen*

(۵۷)-ر-ک به تاریخ مغول ص ۷۲-۷۳ جلد چهارم

(۵۸)-اروک خاتون از نوادگان اونگ خان پادشاه قبیله کرائیت بود، این زن در تمام زندگی در کیش مسیحی سرمیکرد و همیشه نزد او کشیشی مسیحی بسر میبرد، پسرش را پس از غسل تعمیه نیکولا نام نهاد در حالیکه اسم مغولی او کارباگاندا بود «*carbagan*»

(۵۹)-یکنفر مسیحی سریانی بنام طاطیانوس اناجیل اربعه (لوقا-مرقس-یوحنا-متی) را درهم آمیخت و از آن کتابی تدوین نمود که دیا تسرون نامیده شد. در این کتاب سعی شده است که با حذف مطالب تکراری، زندگی مسیح بطور کامل تشریح گردد.

(۶۰)-بایدوخان فقط ششماه حکومت کرد.

(۶۱)-جلد دوم ص ۹۸۳ در حکایت هفتم (ابطال دین بت پرستی)

(۶۲)-ر.ک به کتاب *histoire des mongols* جلد چهارم

(۶۳)-بفردولت قاهره از هود الصلیب اعواد منابر ساختند و از کلیساء سیاء کلیمان و صوامع مجوس معابد و مساجد اسلام برافروختند در یکدم عالمی از عمه ضلالت و شرکت کفر بنور صدق ایمان راه یافتند...نقل از تاریخ وصاف ص ۳۲۴

(۶۴)-ر.ک به تاریخ ایران مغول اقبال ص ۲۶۰

(۶۵)-ر.ک به تاریخ ایران ص ۱۵۵ جلد دوم

(۶۶)-دربار واتیکان ظاهرا اطلاعی از مسلمان شدن غازان نداشت. (عکسنامه غازان خان که بدربار واتیکان فرستاده است ضمیمه این مقاله است عکس شماره ۱۰)

(۶۷)-البته بعلت هجوم مغولان جغتائی غازان بناچار نواحی مفتوحه را رها کرد و مصریان بار دیگر آنها را باشغال خود درآوردند.

(۶۸)-ر.ک به تاریخ ایران ص ۱۴۱ ذکر سلاطین چنگیز خانیه

(۶۹)- دو موزه واتیکان نامه‌ای از غازان بزبان مغولی و بخط اویغوری موجود است که برای پاپ بونیفاس هشتم ارسال شده است. تاریخ نامه سال ۱۳۰۲ میلادی است.

(۷۰)- pierre solivero

(۷۱)- barcelonne

(۷۲)- geoffre de langley

(۷۳)- طومار یا اوراق سیروسیاحت آنها موجود است و نیز صورتی راجع بمخارج و مصارف آنها که از جمله خرید ظروف نقره، خرقة خز و فروش قالی میباشد باقیمانده آنها از راه جنوا به طرابوزان و تبریز سفر کرده و در برگشت به میهن خود یک پلنگ زنده که در قفس بوده است با خود آورده و غیراز این چیزی راجع بسفارت و ماموریت‌شان در دست نیست. ر.ک به تاریخ ایران سرپرستی سایکس ص ۱۶۰

(۷۴)- مرج الصفر نزدیک شهر دمشق پایتخت سوریه.

(۷۵)- ر.ک به تاریخ ایران ص ۱۴۲

(۷۶)- الجایتو کلمه‌ای مغولی است بمعنای آمرزیده-پادشاهی سلطان محمد خدابنده الجایتو ار ۷۰۳ تا ۷۱۶ هجری قمری (۱۳۱۶-۱۳۰۴ میلادی)

(۷۷)- برتران دوگت، کلمان پنجم دورهء پاپی از ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴ میلادی

(۷۸)- شهر پکن یا خانبالیغ مرکز اسقفان فرانسیسکن در آسیای شرقی بود

(۷۹)- نام این سفیر را تومان یا توماس ایلداکی نیز ذکر کرده‌اند که معنای آن گیرنده شمشیر یا کسی که شمشیر در دست دارد میباشد.

(۸۰)- mamlakh

(۸۱)- ادوارد اول اندکی کی پیش از ورود سفرای ایران بدرد حیات گفته بود.

(۸۲)- شاید بدستور الجایتو که مایل بجلب کمک اروپائیان در جنگ برعلیه امرای شام و مصر بود بدینکار مبادرت ورزیده باشد

(۸۳)- پواتیه واقع در خاک فرانسه

(۸۴)- daniel دانیل یا دانیال یکی از چهار پیامبر بزرگ بنی اسرائیل بود (قرن هفتم قبل از

(۸۵)- بیت المقدس بمسیحیان تعلق گیرد...

(۸۶)- این مطلب میرساند که پاپ در مورد مسیحی بودن الجایتو بدیده شک و تردید مینگرد

(۸۷)- نام کودکی الجایتو

(۸۸)- این امر در بعضی از دوره‌ها کاملاً صادق بود.

(۸۹)- odorich-odorichus

(۹۰)- adana واقع در ترکیه

(۹۱)- شهر آوین یون aviynon از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۷۷ میلادی مرکز پاپ‌ها بود، پاپ کلمان پنجم که از روحانیون فرانسوی بود در سال ۱۳۰۹ شهر آوین‌یون را مرکز روحانی خود قرار داد و پس از وی ژان ۲۲ و بنوای

دوازدهم و کلمان ششم و اینوسان ششم در آوین یون اقامت گزیدند. سرانجام در سال ۱۳۷۷ گرگوار یازدهم باصرار مردم ایتالیا بروم بازگشت در واتیکان مقر پاپها اقامت کرد.

(۹۲)-نقل از تاریخ مغول-دوسون جلد چهارم ص ۶۶۲

francois de peruse -(۹۲)

پایگاه تاریخی میر هادی حسینی